

در ایران صحبت از نخبه‌کشی می‌شود و اینکه مردم و جامعه قدر نخبگان خود را نمی‌داند و همواره در طول تاریخ بر ضد نخبگان خود عمل کرده‌اند آیا شما به عنوان شاخص‌ترین چهره معماری مدرن ایران و به عبارتی نخبه این حرفه، مورد بی‌مهری مردم قرار گرفتید یا برعکس احساس می‌کنید جامعه و مردم قدر شما را دانسته و می‌دانند؟

مهندس سیحون با اطمینان خاطر پاسخ داد که بجز برخی رسانه‌های معلوم‌الحال، جامعه و مردم نهایت قدردانی را از او به عمل آورده و ارزش او را به خوبی دانسته‌اند. او از این همه مهر و محبتی که نسبت به وی می‌شد سپاسگزار و شادمان بود. نسل جوان معماران ایرانی و دانشجویان معماری نام او را با بناهای به یادماندنی عجین و به او همچون اسطوره معماری معاصر ایران نگاه کرده و تشنه دیدارش بودند. در همان دیدار از مهندس سیحون پرسیدم:

«سوالی که خیلی‌ها از من می‌پرسند این است که مهندس سیحون چه موقعی به ایران خواهد آمد؟»

با نگاهی تاسف‌آمیز گفت: «بعد از انقلاب همه آثار هنری‌ام، یادگارهای شخصی‌ام و عکس‌های خانوادگی‌ام از بین رفت، خانه و دفتر کارم مصادره و فروخته شد. من با ساختن این همه بنا در تهران، سرپناهی برای خودم ندارم.»

مهندس هوشنگ سیحون مدتی پس از پیروزی انقلاب ۵۷ از ایران خارج شد و مابقی عمر خود را در آرزوی وصل به عشق خود (ایران) سپری کرد. در طول ۳۴ سال اقامت در اروپا، آمریکا و کانادا صدها جلسه سخنرانی برگزار کرد و همواره از معماری و هنر ایران برای ایرانیان و غیر ایرانیان سخن گفت. بسیاری او را به عنوان نمادی از معماری مدرن و فرهنگ کهن ایران شناخته و از او قدردانی کردند. سال قبل طی نامه‌ای پیشنهاد تاسیس «بنیاد معماری سیحون» را به او دادم به این هدف که خط فکری و نگرش ویژه او به هنر و معماری ایران به وسیله نهادی که خود او ایجاد کند در آینده نیز تداوم داشته باشد. متأسفانه وی در مدت کوتاه از باقیمانده عمر خود موفق به تاسیس چنین بنیادی نشد، ولی در وصیتنامه‌اش خواست که فرزندان و شاگردانش این امر را محقق و تمام آثار او را جمع‌آوری کرده و در آینده به موزه‌ای در ایران بسپارند.

مهندس سیحون در روز پنجم خرداد ۱۳۹۳ در سن ۹۳ سالگی در شهر ونکوور کانادا درگذشت. وی وصیت کرده بود که اگر امکان دفن پیکرش در خاک ایران فراهم نشد حداقل در جایی به خاک سپرده شود که بیشترین تعداد شاگردان سابق و علاقه‌مندش حضور داشته باشند و لس‌آنجلس چنین جایی بود. تابوت مهندس سیحون که در پرچم سه رنگ ایران و پرچم درفش کاویانی پیچیده شده بود در روز ۱۷ خرداد در گورستان «فورست لاون» لس‌آنجلس به خاک سپرده شد. بنا به وصیت‌اش مقداری از خاک ایران نیز روی تابوت او ریخته شد تا اینکه در آینده پیکر منتقل شود.

از طهران تا تهران و یادی از استاد هوشنگ سیحون اردوان مفید



ناصرالدین شاه قاجار ۱۵۰ سال پیش (۱۸۷۳ میلادی) کلید مدرن سازی ایران را، در برخی جوانب فرهنگی و هنری و معماری زد. او حتی قبل از سفر تاریخی خود به دیار فرنگ با دیدن عکس های ساختمان های بلند و مدرن فرنگستان روحش به پرواز درمی آمد و بارها با سفیران فرنگی درباره این بناها به گفتگو پرداخته بود. اما این دلباختگی پس از بازگشت از سفر اولش و بخصوص پس از دیدار از شهر پاریس و خیابان شانزه لیزه و ساختمان های بلند و خوش ترکیب و طرز لباس مردان و بانوان پاریسی و در انگلستان با دیدار از "رویال آلبرت هال" Royal Albert Hall لندن و دیگر تماشاخانه ها و آمفی تئاترهای موجود در اروپا افزون شده بود. ناصرالدین شاه با دیدن آن همه شگفتی ها و زیبایی ها، کالسکه های سلطنتی و مغازه های مجلل، یک خواست شگفت انگیز در درونش زبانه می کشید، او همه آنچه را که می دید و تجربه می کرد برای "تهران" پایتخت مورد علاقه اش می خواست. این کشش منجر به فرمان ساختن مهم ترین نشان دوران ناصری یعنی ساختمان "شمس العماره" شد. وجود این ساختمان زیبا با ترکیب معماری ایرانی و اروپایی خود در واقع روح تهران "خشت و گلی" آن روزگاران را تسخیر می کند و سرآغازی می شود برای تغییر چهره "تهران" گرد و خاک گرفته با راه های "مال رو" و کوچه های گلی با پشت بام های کاهگلی .

معماری شمس العماره



تهران، این کلان شهر بزرگ امروز، در واقع روستای بسیار خوش آب و هوا با درخت های میوه و درخت های چنار بود که عملاً شکارگاه شاه پهماسب صفوی و محلی برای تفریح و تفریح و استراحت این پادشاه بود. دولت روز به منظور امنیت دور این روستای زیبا را به فرمان شاه پهماسب حساری کشیدند با چهار دروازه و ۱۱۴ برج و بعدها که آقا محمد خان قاجار "طهران" این روستائی که تابع شهر "ری" بود را به عنوان پایتخت خود برگزید و تغییراتی در آن به وجود آورد. اما در دوران ناصرالدین شاه قاجار بود که دست به نوسازی زد و آثار معماری درخشانی به وجود آورد که هنوز پس از صد و هفتاد و هشتاد سال پا برجا هستند. می توان گفت هنوز بسیاری از بناهای مهم و قدیمی پایتخت، یادگار "طهران" دوران ناصری است. با این اشاره که امروزه، از آن کوچه باغ های زیبا با خانه هایی با هشتی و پنج دری و اتاق های آفتابگیر و پنجره های رنگی و حیاط های وسیع با حوضی کوچک در میانش با ماهی های قرمز شناور و گلدان های شمعدانی در اطرافش دیگر خبری نیست و فقط در حافظه تهران قدیم حفظ شده اند.

محله چال میدان



در آن دوران قدیم تهران چهار محله داشت، چاله میدان، عودلاجان، سنگلج و بازار... پدرم همیشه قصه های خوبی از تهران قدیم تعریف می کرد و می گفت در اطراف تهران، چند روستای دیگر بود از جمله، گرکان، که محل تولد پدر ما بود. او تعریف می کرد که اکثر اهالی این ده چسبیده به تهران باسواد بودند و اهل نوشتن و خواندن و اکثراً "خوش نویس" یا خطاط بودند و توسط دولت قاجار با عنوان "میرزا" در استخدام کارهای کتابت و نویسندگی و منشی گری می پرداختند. پدرم بعد از گرکان به آشتیان و تفرش و فراهان و اراک اشاره می کرد که از هر کدام یک سیاستمدار برجسته و یا یک ادیب و یک دانشمند نام دار بیرون آمده است.

چاله های چال میدان در جنوب شهر مربوط می شود به زمانی که شاه طهماسب اول برای ساختن حصار از منطقه خاک برداری می کرد. این چاله ها باقی ماند و بعدها تبدیل شد به زباله دانی محله عودلاجان که محله اعیان نشین دوره قجر و "محل تقسیم آب" تهران بود. سنگلج منطقه معتبر و پر جمعیت شهر تهران قدیم بود که در دوران ما شد منطقه "پارک شهر" که از چهار طرف به خیابان های سپه و مولوی و خیام و شاپور منتهی می شد.

محله عودلاجان



عکس بسیار قدیمی از محله بازار



خیابان لاله زار تهران در قدیم +عکس

Visit

بناهای محله بازار هم از عصر صفوی شکل گرفت و هنوز هم همان حالت سنتی بازارهای ایران را دارد. در تاریخ می خوانیم که توجه به تهران از سده نهم یعنی عصر صفوی آغاز شد، در عصر فتحعلی شاه قاجار تهران با عمارت های سلطنتی متعدد در محدوده کاخ گلستان، باغ های سلطنتی مانند نگارستان و باغ لاله زار و احداث چند قنات برای تامین آب و گسترش بازار تهران، گامی به سمت آبادانی و تمدن برداشت. اما در عهد ناصری با تخریب حصار شاه طهماسبی، مساحت تهران از ۴ کیلومتر به بیست کیلومتر گسترش یافت. در این دوران "میدان ارگ" به عنوان قدیمی ترین میدان تهران در اوج شکوه و زیبایی بود. عمارت "شمس العماره" که امروزه با ۳۵ متر ارتفاع عنوان اولین "آسمان خراش" تهران را گرفته است از جمله مرتفع ترین بنای دوران ناصری بود.

این بنای زیبا را خورشید عمارت های سلطنتی می نامیدند و در واقع اولین نماد شهر تهران به عنوان پایتخت ایران محسوب می شد، ساختمان بلندی که هنر ناب معماری ایرانی به سبک و سیاق اروپائی برای نخستین بار چشمان مردم تهران و سیاحان و جهانگردان جهان را به خود جلب می کرد؛ ساختمانی که اولین ساعت عمومی تهران بر فراز آن نصب شد و اولین تلگراف رسمی نیز از این عمارت مخابره شد.